



توراه اور • پاراشاها נח • مامار 4

ויאמר ה' הן עם אחד ושפה א' לכלם...

«و ה' گفت: اینک، آنان یک قوم اند و همگی یک زبان دارند»



تقديم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربّه، رب لیوی ییتسחק

LikuteiTorah.com



پاراشای حسیدی

/likuteitorah.com/fa/torah-ohr/noach/4

1 וַיֹּאמֶר ה' הָן עִם אֶחָד וּשְׁפָה א' לְכֻלָּם כֹּי וְעַתָּה לֹא יִבְצֹר מֵהֶם וְגו'.

«و ه' گفت: بنگرید، [آنان] یک قوم‌اند و زبانی واحد برای همهٔ ایشان» و جز آن؛ «و اکنون چیزی از آنان بازداشته نخواهد شد» و جز آن.

ولכאורה תמוה איך לא יבצר מהם נגד רצונו ית' ומי זה אמר ותהי אם ה' לא צוה. גם מה הי' [היה] מחשבותם לעשות מגדל וראשו בשמים שכל זה תמוה.

اما در نگاه نخست، این امر شگفت‌آور است: چگونه ممکن بود هیچ چیز از آنان بازداشته نشود، برخلاف ارادهٔ او، تعالی شأنه؟ «چه کسی سخنی گفت و واقع شد، اگر ه' فرمان نداده باشد؟» همچنین، اندیشهٔ آنان از ساختن برجی «که سرش در آسمان‌ها باشد» چه بود؟ زیرا همهٔ این‌ها شگفت‌آور است.

אך הנה בלק"ת [בלקוטי תורה (להאריז"ל)] להרח"ו [להרבי חיים ויטאל] ז"ל [זכרונו לברכה / זכרונו לברכה] כתב בענין דור הפלגה שכוונתם הי' [היה] להמשיך להם השפעת טובה בהכרח בכח שמוש השמות אף אם לא היו טובים כו' ע"ש.

اما در لکוטי תורה، רבי חיים ויטאל (רבי חיים ויטאל)، که يادش گرامی باد، دربارهٔ نسلِ پراکندگی می‌نویسد که قصدشان این بود که با اجبار، از راهِ قدرتِ به‌کارگیریِ نام‌های [مقدس]، و فورِ خیر را به‌سوی خود فرود آورند، هرچند خودشان نیک نبودند و جز آن؛ به آن‌جا بنگرید.

2 וביאור הענין יובן במ"ש בכהאריז"ל [בכתבי האריז"ל] ובפרדס בענין ז' שמות שאינן נמחקין שם אל בחסד שם אלקים בגבורה ושם הוי"ה בתפארת.

تبیینِ مطلب از آنچه در نوشته‌های آریزال (האריז"ל) و در پردس (פרדס رمונים) دربارهٔ هفت نامی که محوکردنشان روا نیست آمده، روشن می‌شود: نامِ کِل (אל, Kel) در مهر (חסד, Chesed)، نامِ אלקים (אלקים, Elokim) در قید و سخت‌گیری (גבורה, Gevurah)، و نامِ چهارحرفی (ה', Havayah) در زیبایی و هماهنگی (תפארת, Tiferes).

ופי' דהיינו בהכלים דחג"ת [דחסד גבורה תפארת] כי האור הוא بכולם משם הוי"ה ורק בהכלים הוא בחסד שם אל כו'.

توضیح این است که مقصود، ظرف‌هایِ مهر، قید و سخت‌گیری و زیبایی و هماهنگی است؛ زیرا نورِ هر سه از نامِ ه' است و تنها در ظرف‌هاست که در مهر، نامِ کِل است و الی آخر.

ובתפארת אפי' [אפילו] בהכלי מאיר שם הוי"ה (ועמ"ש בפ' בא בפסוק בעצם היום הזה). ולהבין זה מפני מה בתפארת הוא הכלי ג"כ מבחי' שם הוי"ה משא"כ בשארי הספי' [הספירה / הספירות].

اما در زیبایی و هماهنگی، حتی در ظرف نیز نام **ה'** می‌تابد (و بنگرید به آنچه در پاراشای «**בו**» (**בא**) دربارهٔ آیه «در خود همان روز» آمده است). [باید] این را فهمید: چرا در زیبایی و هماهنگی، ظرف نیز از مرتبهٔ نام **ה'** است، حال آنکه در دیگر مراتب تجلی چنین نیست؟

ויש להבין מ"ש במאמר דפתח אליהו אנת הוא דאפיקת עשר תיקונים וקרינן להון עשר ספירן. חסד דרועא ימינא כו' חכמה מוחא בינה לבא כו'.

و باید آنچه در گفتار «الياهو گشود» آمده نیز فهمیده شود: «تو همان هستی که ده تیکونین (תיקונים, tikkunim; اصلاحات) را پدید آوردی و ما آنها را ده مرتبهٔ تجلی می‌نامیم ... مهر، بازوی راست و الی آخر؛ حکمت (חכמה, Chochmah), مغز؛ فهم (בינה, Binah), دل» و الی آخر.

3 وכל ספירה אית לה שם ידיעא כו' ואנת לית לך שם ידיעא אנת הוא חכים ולא בחכמה ידיעא אנת הוא מבין ולא בבינה ידיעא.

«و هر یک از مرتبه‌های تجلی (ספירה, Sefirah) نامی شناخته‌شده دارد، و غیره؛ اما تو نامی شناخته‌شده نداری. تو حکیمی، اما نه با حکمتی شناخته‌شده؛ تو می‌فهمی، اما نه با فهمی شناخته‌شده.»

דהנה תחלה הזכיר חו"ב [חכמה وבינה] חכמה מוחא ובינה לבא ומהו שאמר אח"כ אנת הוא חכים דאין ר"ל [רוצה לומר] אנת הוא חכים שמתלבש באותו בחי' חכמה שהזכיר תחלה שהוא מהע"ס [מהעשר ספירות].

زیرا نخست از حکمت (חכמה, Chochmah) و فهم (בינה, Binah) یاد شده است – «حکمت، مغز؛ و فهم، قلب» – پس وقتی پس از آن می‌گوید «تو حکیمی»، مقصود چیست؟ مقصود این نیست که «تو حکیمی» به این معنا باشد که او در همان مرتبهٔ حکمت که نخست از آن یاد شد، پوشیده است؛ مرتبه‌ای که یکی از ده مرتبهٔ تجلی (ספירות, Sefiros) است.

דמדקאמר וכל ספירה אית לה שם ידיעא ואנת לית לך שם ידיעא אנת הוא חכים. זה מורה דפי' אנת הוא חכים הוא ג"כ בבחי' دلית לך שם ידיעא.

زیرا از این گفته که «هر **ספירה** نامی شناخته‌شده دارد، اما تو نامی شناخته‌شده نداری؛ تو حکیمی» برمی‌آید که معنای «تو حکیمی» نیز در همان چارچوب «تو نامی شناخته‌شده نداری» است.

4 **ואלו בהתלבשות אור א"ס ב"ה בע"ס** [בעשר ספירות] **דאצי' אזי נקרא הוא ית' בשם לפי הספי' [הספירה] /**

הספירות] **שמתלבש בה**

اکنون، هنگامی که نور بی‌پایان (اور این سوف، Or Ein Sof)، متبارک باد او، در ده مرتبه تجلی (سפירות، Sefiros) عالم صدور (اصیילות، Atzilus) متلبس می‌شود، خود او، متبارک باد او، به نامی خوانده می‌شود که با مرتبه تجلی‌ای (سפירה، Sefirah) که در آن متلبس است متناسب باشد،

כמ"ש בפרדס שער השמות באריכות וכנ"ל שם אל בחסד כו'. וא"כ איך יתכן בחי' אנת הוא חכים וגם לית לך שם ידיעא.

چنان‌که به تفصیل در پردس ریمونیم (פרدس رمونیم)، در «دروازه نام‌ها» نوشته شده است، و چنان‌که [گفته شد]، نام «کِل» (אל، Kel) در مهر (חסد، Chesed) و جز آن. پس اگر چنین است، چگونه می‌توان از مرتبه «تو دانایی» و نیز از «هیچ نام شناخته شده‌ای نداری» سخن گفت؟

אלא הפי' דמתחלה אמר אנת הוא חד ולא בחושבן ואע"ג [ואף על גב] דאפיקת עשר תקונין שהם ע"ס [עשר ספירות] דתקון דאצי' אשר כל ספירה היא בחינה מיוחדת מזולתה חכמה חסד כו'

بلکه مقصود چنین است: نخست گفته شد: «تو یکی هستی، اما نه به شمارش»؛ و با آن‌که «ده آرایش (تکوین، tikkunim) پدید آوردی»، که همان ده **سپירות** عالم «تیکون» — یعنی اصلاح و سامان‌بخشی (تیکون، Tikun) — در **اصیילות** هستند، که در آن‌ها هر **سپירה** مرتبه‌ای متمایز از دیگری است — حکمت (حکמה، Chochmah)، **חסد** و جز آن —

וא"כ הוה ס"ד שגם בהעצמות יש ח"ו [חס ושלום] ג"כ בחינות מיוחדות חכמה חסד כו' לזה אומר שאינו כן כי בחי' אנת הוא חכים הוא ולא בחכמה ידיעא.

پس ممکن بود چنین پنداشته شود که در ذات **ه'** نیز، مبادا، مراتب متمایزی چون **حکמה**، **חסد** و جز آن وجود دارد. برای همین می‌گوید که چنین نیست؛ زیرا مرتبه «تو حکیمی» به این معناست که «نه با حکمتی شناخته شده».

ר"ל [רוצה לומר] כי חכמה דאצי' נקי' חכמה ידיעא אע"פ [אף על פי] שהיא ג"כ באמת למעלה מעלה ממדות חכמה דבי"ע מ"מ כיון

یعنی: **حکמה**ی **اصیילות** «حکمتی شناخته شده» خوانده می‌شود. هرچند آن نیز در حقیقت بسیار، بسیار فراتر از ماهیت حکمت عالم آفرینش (حکמה، Chochmah)، عالم صورت‌بخشی (יצירה، Yetzirah) و عالم عمل (عשיה، Asiyah) است، باین‌همه، از آن‌جا که

שהיא מקור ושרש להן נקראת חכמה ידיעה והיינו ששם הוא בחי' כלים ממש חכמה יש לה כלי בפ"ע
[בפני עצמו] **בינה בפ"ע** [בפני עצמו].

از آنجا که سرچشمه و ریشه آن هاست، «حکمتی شناخته شده» خوانده می شود. یعنی در آنجا مرتبة ظرف های واقعی وجود دارد: **حکמה** ظرفی مخصوص خود دارد و فهم (**בינה**, Binah) نیز ظرفی مخصوص خود.

5 **וזהו דייקא בע"ס [בעשר ספירות] דאצילו [דאצילות]. אבל מה דאנת הוא חכים הוא לא בחכמה ידיעה כלל**

עד שהתהוות חכמה דאצי' מבחי' אנת הוא חכים הוא

و این مطلب مشخصاً در ده مرتبه از مراتب تجلی (ספירות, Sefiros) عالم صدور (אצילות, Atzilus) است. اما آنچه درباره اش گفته می شود «تو حکیمی»، اصلاً از سنخ حکمت شناخته شده نیست؛ تا آنجا که پیدایش حکمت (חכמה, Chochmah) عالم صدور از مرتبة «تو حکیمی»...

ע"ד התהוות יש מאין ולא בחי' עילה ועלול כלל ולא ע"ד התהוות חכמה דבי"ע מחכמה דאצי' שזה נק'
ג"כ השתלשלות שלכך נק' חכמה דאצי' חכמה ידיעה ואיך היא ידיעה

به شیوه پدید آمدن موجود از نیستی (יש מאין, yesh me'ayin) است، نه به هیچ وجه به صورت علت و معلول؛ و نه مانند پیدایش حکمت عوالم آفرینش (בריאה, Beriah)، صورت بخشی (יצירה, Yetzirah) و عمل (عשיה, Asiyah) از حکمت عالم صدور، که آن نیز زنجیره نزول عوالم (השתלשלות, hishtalshelus) نامیده می شود. از همین رو حکمت عالم صدور «حکمت شناخته شده» نامیده می شود. و چگونه «شناخته شده» است؟

אלא שלפי שחכמה דבי"ע נתהווה ממנה ע"י השתלשלות [השתלשלות] והיא גלויה וידועה לכך גם החכמה
דאצי' נק' חכמה ידיעה.

تنها از آن رو که حکمت عوالم آفرینش، صورت بخشی و عمل به واسطه **השתלשלות** از آن پدید آمده و آشکار و شناخته است، حکمت عالم صدور نیز «حکمت شناخته شده» نامیده می شود.

6 **וכמו ע"ד שנק' אדם דאצי' אדם דעשייה. משא"כ בחי' אנת הוא חכים הוא לא בחכמה ידיעה וזהו הנק' בלשון הפרדס עשר ספירות הגנוזות במאצילן שע"ז אמר אנת הוא חכים כו'.**

و همان گونه که آدم عالم صدور (אצילות, Atzilus)، آدم عالم عمل (עשיה, Asiyah) نامیده می شود، مرتبة «تو حکیمی» چنین نیست که حکمتی شناخته شده باشد؛ و این همان چیزی است که در زبان Pardes Rimmonim (פרדس رمונים)، «ده مراتب تجلی (ספירות, Sefiros) پنهان در مبدأ فیض خود» نامیده می شود؛ و درباره آن گفته شده است: «تو حکیمی» و الی آخر.

וענין זה עולה בקנה אחד עם מ"ש בע"ח [בעץ חיים] שיש עקודים נקודים וברודים והיינו שבעקודים כל הע"ס [העשר ספירות] הם עקודים בכלי א' ואין שם שום

این مطلب کاملاً با آنچه در **עץ חיים** (עץ חיים) نوشته شده است همخوانی دارد: اینکه عوالم «بسته به هم» (عقودים, Akudim)، «نقطه ها» (נקודים, Nekudim) و «به هم پیوسته ها» (ברודים, Berudim) وجود دارند. یعنی در Akudim، هر ده مرتبه تجلی در یک ظرف به هم بسته اند، و در آنجا هیچ

התחלקות כלל לע"ס [לעשר ספירות] ובנקודים הוא שנחלקו לעשר נקודות וברודים הוא עולם התקון בחי' פרצופים כו' וז"ש [וזהו שכתוב] אליהו אנת הוא דאפיקת עשר תקונין שהם ע"ס [עשר ספירות] דברודים.

تقسیمی به ده مراتب تجلی وجود ندارد؛ در Nekudim، آن ها به ده نقطه تقسیم شدند؛ و Berudim عالم اصلاح (תיקון, Tikun)، مرتبه پارتسوفیم (פרצופים, partzufim؛ پیکربندی ها) و مانند آن است. و این همان است که الياهو (אליהו) گفت: «تو آنی که ده اصلاح (תיקונים, tikkunim) را پدید آوردی»؛ یعنی ده مراتب تجلی Berudim.

אמנם שרשם ומקורם שהם בחי' עקודים הרי הם בכלי א' ממש כל הבחי' חו"ב [חכמה ובינה] כו' והיינו לפי שהם למעלה מעלה ממדות בחי' חכמה ובינה הידועים דאצילות

اما ریشه و سرچشمه آن ها، یعنی مرتبه Akudim، همان جاست که همه مراتب، از جمله حکمت (חכמה, Chochmah) و فهم (בינה, Binah) و مانند آن، حقیقتاً در یک ظرف اند. دلیلش این است که آن ها بسیار بسیار بالاتر از ماهیت مراتب شناخته شده حکمت و فهم عالم صدور هستند.

(והתהוות חכמה ובינה דאצילות הוא יש מאין היינו ע"י צמצום א"ק [אדם קדמון] וצמצום הדיקנא עד דא"א [דאבא ואימא] יונקים רק מבחי' שערות כו' משא"כ מאצי' לבריאה אינו רק ע"י פרסא שאינו מערך הצמצומים אלו שבין א"ק [אדם קדמון] לאצילות ולכן נק' השתלשלות)

(و پدید آمدن حکمت و فهم عالم صدور، چیزی از نیستی است؛ یعنی از طریق انقباض (צמצום, tzimtzum) آدم قَدْمُون (آدم کدمون, Adam Kadmon) و انقباض ریش (דיקנא, dikna)، تا آنجا که پدر و مادر (آבא ואימא, Abba v'Imma) تنها از مرتبه موها (שערות, se'aros) فیض می گیرند و مانند آن؛ حال آنکه از عالم صدور به عالم آفرینش، تنها یک پَرسا (פרسا, parsa؛ حجاب) وجود دارد؛ و این از سنخ این انقباض ها نیست که میان آدم قَدْمُون و عالم صدور رخ می دهند؛ از این رو آن را زنجیره نزولِ عوالم (השתלשלות, hishtalshelus) می نامند.)

ולכן נקראים בשם ע"ס [עשר ספירות] הגנוזות. ויובן עד"מ כי הנה כחות הנפש המתלבשים באברי הגוף הרי הם מתחלקים כל כח מהות בפ"ע [בפני עצמו] ובאבר מיוחד בפ"ע [בפני עצמו].

ازاین رو، آن‌ها را «ده مراتب تجلی پنهان» می‌نامند. این مطلب با یک تمثیل روشن می‌شود: نیروهای جان که در اندام‌های بدن جای می‌گیرند، از یکدیگر جدا هستند؛ هر نیرو ماهیتی متمایز و اندامی ویژه خود دارد.

כח הראיה בעין וכח השמיעה באוזן וכח המעשה בידים. וכן בכחות עליונים מהן כח השכל במוח וכח המדות בלב.

نیروی بینایی در چشم است، نیروی شنوایی در گوش و نیروی عمل در دست‌ها. همین‌طور در میان نیروهای برتر، نیروی عقل در مغز و نیروی صفات عاطفی (مדות, middos) در قلب است.

7 והנה כל כחות אלו נמשכים ומתפשטים מן הנפש האחת שהיא עצם א' וא"כ החילוקי כחות הנ"ל כשהיו עדיין כלולים בהנפש ודאי היו כולם בהתכללות אחת ממש בלי שום התחלקות וכמו שהנפש היא עצם א'.

اکنون همه این قوا از نفس یگانه‌ای امتداد می‌یابند و گسترش پیدا می‌کنند؛ نفسی که جوهری واحد است. بنابراین، قوای متمایز یادشده، هنگامی که هنوز در نفس مندرج بودند، بی‌تردید همگی در شمولی واحد و به‌معنای واقعی کلمه، بی‌هیچ‌گونه تقسیمی، حضور داشتند؛ همان‌گونه که خودِ نفس جوهری واحد است.

8 ואיך הוא זה והלא אנו רואים ראייה ושמיעה הם שני בחינות שונות זו מזו אלא ודאי משום כשהיו בחי' וכگونه چنین چیزی ممکن است؟ مگر نمی‌بینیم که دیدن و شنیدن دو مرتبه متفاوت از یکدیگرند؟ پس به‌قطع، باید چنین باشد که هنگامی که

כחות אלו בנפש הם בבחי' דקה ורוחני' יותר לאין שיעור מכשהם אח"כ בגוף החומרי עד ששם הם כולם מיוחדים כאלו הם רק דבר א' ממש.

این قوا در نفس بودند، در مرتبه‌ای بی‌نهایت لطیف‌تر و روحانی‌تر از آنچه بعداً، هنگامی که در بدن جسمانی هستند، می‌یابند؛ تا آنجا که در آن مرتبه، همگی چنان متحدند که گویی حقیقتاً تنها یک چیزند.

9 ועד"ז יובן הנמשל שענין ע"ס [עשר ספירות] דאצי' שהם כל בחי' בכלי בפ"ע [בפני עצמו] חכמה בחי' בפ"ע

[בפני עצמו] וחסד בפ"ע [בפני עצמו] כו'

به همین ترتیب، نمونه مورد نظر روشن می‌شود: ده مرتبه تجلی (سפירות, Sefiros) در عالم صدور (אצילות, Atzilus). هر یک مرتبه‌ای در ظرفی جداگانه است—حکمت (חכמה, Chochmah) مرتبه‌ای جداگانه و مهر (חסד, Chesed) نیز مرتبه‌ای جداگانه، و همین‌طور.

אבל בשרשן בבחי' ע"ס [עשר ספירות] הגנוזות הם בעילוי יותר דק ונעלה לאין קץ עד ששם הם כולם רק דבר א' ממש וזהו שהן עקודים בכלי א' ממש.

اما در ریشه خود، در مرتبه ده مرتبه پنهان تجلی، در حالتی بی‌نهایت لطیف‌تر و والاترند؛ تا آنجا که در آنجا همگی حقیقتاً تنها یک چیزند. و این همان معنای [این است که] آنها عکودים (Akudim) [به هم بسته] هستند، در حقیقت در یک ظرف واحد.

וזה שבאצי' חכמה וחסד הם שני דברים שונים זמ"ז [זה מזה] היינו לפי שחכמה דאצי' אינה בערך כלל מהות החכמה דעקודים וכנ"ל שהיא הנק' חכמה ידיעה.

و اینکه در عالم صدور، حکمت و مهر دو چیز متفاوت از یکدیگرند، از آن روست که حکمت عالم صدور اصلاً با حقیقت حکمت عکودים سنجیدنی نیست؛ و چنان‌که [پیش‌تر] گفته شد، همان چیزی است که «حکمتی شناخته‌شده» نامیده می‌شود.

10 והנה אח"כ נמשך בחי' עולם הנקודים ושם כל ספי' [ספירה / ספירות] בפ"ע [بفني עצמו] והן עשר נקודות.

והיינו שכבר ירדו בירידה גדולה ממדרגת ע"ס [עשר ספירות] דעקודים שהן כולם דבר א' כנ"ל משא"כ בע"ס [בעשר ספירות] דנקודים וזהו כמו בחי' חכמה ידיעה כו'.

اکنون، پس از آن، مرتبه عالم نקודים (Nekudim, «نقاط») پدیدار شد؛ در آنجا هر یک از سפירות (مراتب تجلی, Sefiros) به‌تنهایی است و آن‌ها ده نقطه‌اند. یعنی آن‌ها پیش‌تر از مرتبه ده سפירות عالم عکودים (Akudim) نزولی بزرگ کرده بودند؛ درحالی‌که در عکودים همگی یک چیزند، چنان‌که [پیش‌تر گفته شد]؛ اما در ده سפירות نקודים چنین نیست. و این مانند مرتبه «حکمتی شناخته‌شده» است و الی آخر.

(והרי מובן גודל הצמצום והירידה כי מלבד זה שבעקודים וע"ס [ועשר ספירות] הגנוזות היו בעילוי רב יותר עד שנק' חכים ולא בחכמה ידיעה כנ"ל.

(و بدین‌ترتیب، بزرگی انقباض (צמצום, tzimtzum) و نزول فهمیده می‌شود؛ زیرا گذشته از این‌که در عکودים و ده سפירות نهفته در مرتبه‌ای بسیار بالاتر بودند، تا آنجا که «حکیم است، اما نه با حکمتی شناخته‌شده» نامیده می‌شود، چنان‌که [پیش‌تر گفته شد]،

הרי עוד זאת כי התם כיון שכולן בכלי א' ואין בהם שום התחלקות א"כ בהמשכת בחי' חכמה עד"מ הרי יש בזה כל הע"ס [העשר ספירות] הגנוזות יחד ולא בחי' חכמה בפ"ע [בפני עצמו] כיון דהתם אין חכמה בחי' בפ"ע [בפני עצמו] כלל לבדה.

גדשה از این، نکته دیگری نیز هست: چون در آنجا همه در یک ظرف اند و هیچ گونه تقسیمی میانشان نیست، پس هنگامی که مرتبه حکمت (חכמה, Chochmah) را، برای مثال، پدیدار می کنند، هر ده **ספירות** نهفته با هم در آن حضور دارند، نه مرتبه حکمت به تنهایی؛ زیرا در آنجا اصلاً حکمت مرتبه ای مستقل و جداگانه نیست.

כ"א כל הע"ס [העשר ספירות] הגנוזות הם דבר א' ממש. א"כ אין שייך כלל לומר המשכת חכמה בפ"ע [בפני עצמו] כ"א המשכת דבר הנק' ע"ס [עשר ספירות] הגנוזות כו' יחד.

بلکه هر ده **ספירות** نهفته حقیقتاً یک چیزند. پس اصلاً نمی توان از پدیدارشدن حکمت به تنهایی سخن گفت؛ تنها می توان از پدیدارشدن آن چیزی سخن گفت که «ده **ספירות** نهفته» نامیده می شود، و آن ها با هم اند و الی آخر.

משא"כ בבחי' ע"ס [עשר ספירות] דנקודים נתצמצם להיות חכמה נמשכת בחי' א' לבדה ממש וכן חסד כו'. اما در مرتبه ده **ספירות** **נקודים**، انقباضی پدید آمد تا حکمت به صورت مرتبه ای مستقل و به تنهایی پدیدار شود؛ و همچنین مهر (חסد, Chesed) و الی آخر.

והרי מובן שאין ערוך כלל בחי' חכמה כשהיא בפ"ע [בפני עצמו] לבחי' הכוללת כל הע"ס [העשר ספירות] יחד ממש וכמו שאין ערוך אות אחת הנפרדת מתיבת למשפחותיכם עד"מ לגבי התיבה כולה כשהיו כל האותיות יחד.

پس روشن است که مرتبه حکمت به تنهایی، اصلاً با مرتبه ای که هر ده **ספירות** را حقیقتاً یکجا دربرمی گیرد قابل مقایسه نیست؛ درست مانند یک حرف جداشده از واژه **למשפחותיכם** (lemishpechoseichem)، «برحسب خاندان های تان»، برای مثال، که با کل واژه – زمانی که همه حروف با هم بودند – قابل مقایسه نیست.

מלבד מה שבחי' החכמה זו כשהיא בפ"ע [בפני עצמו] נק' חכמה ידיעא משא"כ החכמה דע"ס [דעשר ספירות] דנקודים נק' חכים ולא בחכמה ידיעא. וגם ע"ז שייך אנת הוא חד ולא בחושבן כיון שאין שם בחי' התחלקות עשר ספירות כנ"ל.

گذشته از این که این مرتبه حکمت، هنگامی که به تنهایی است، «حکمتی شناخته شده» نامیده می شود، درحالی که حکمت ده **ספירות** **נקודים** «حکیم است، اما نه با حکمتی شناخته شده» نامیده می شود. و اینجا نیز تعبیر «تو یکی هستی، اما نه در شمار» صدق می کند، زیرا چنان که [پیش تر گفته شد]، در آنجا تقسیمی به ده **ספירות** وجود ندارد.

ומ"מ אור א"ס ב"ה עצמו הוא למעלה מעלה מבחי' עקודים כי גם עקודים נק' אדם דבריאה לגבי א"ס ב"ה ועמ"ש ע"פ את שבתותי תשמרו בענין שבת תתאה ושבת עלאה).

بااین‌همه، خود نور بی‌پایان (اور אין سوف، Or Ein Sof)، که متبارک است، بسیار بسیار فراتر از مرتبهٔ عکودים است؛ زیرا حتی عکودים نیز نسبت به بی‌نهایت مطلق (این سوف، Ein Sof)، که متبارک است، «آدم عالم آفرینش» (آدم دبریاها، Adam of Beriah) نامیده می‌شود. و بنگرید به آنچه دربارهٔ [آیه] «سبت‌های مرا نگاه دارید» نوشته شده است، در باب شبات فروتر و شبات برتر.

ועד"ז ההפרש בין הארת הקו להרשימו שנשאר אחר הצמצום ומקום פנוי. דהנה הארת הקו מאיר בכל עולם לפי ערכו אך הרשימו היא בחי' הכוללת לכל העולמות.

و تفاوت میان تابش خط نور (קו، kav) و اثر باقی‌مانده (رשימו، reshimu) که پس از انقباض (צמצום، tzimtzum) و پدیدآمدن فضای خالی بر جای ماند، نیز از همین قرار [است]. زیرا تابش کו در هر عالم متناسب با اندازهٔ همان عالم می‌تابد، اما رשימו مرتبه‌ای است که همهٔ عوالم را دربرمی‌گیرد.

(וצ"ע [וצריך עיון] דמבואר בכמה מקומות דהקו גבוה הרבה מהרשימו וע' באגה"ק [באגרת הקודש] מאמר איהו וחיותי הארת הקו והארה דהארה דהארה דהארה כו):

(این نکته نیازمند بررسی بیشتر است، زیرا در چندین موضع توضیح داده شده که کו بسیار والاتر از رשימו است. و نیز بنگرید به Iggeres HaKodesh (آגרת הקודש)، گفتار [مאמר] «او و نیروی حیاتش»: تابش کו، و فروغی از فروغ، و فروغی از فروغ فروغ، و مانند آن.)

11 והנה בעולם הנקודים הי' [היה] שבה"כ [שבירת הכלים] שזהו ענין עולם התהו והיינו לפי שהיו רק בבחי' נקודות כל א' בחי' בפ"ע [בפני עצמו] ואח"כ עולם הברודים הוא עולם התקון שנעשו בבחי' פרצופים שהוא להיות בחי' התכללות.

اکنون در عالم نقاط (נקודים، Nekudim)، شکستن ظرف‌ها رخ داد؛ این همان امرِ عالم آشوب (תהו، Tohu) است، و علتش این بود که آنها تنها به صورتِ نقطه‌ها بودند و هر یک مرتبه‌ای جداگانه به‌خودی خود بود. پس از آن، عالم برودیم (برودים، Berudim) عالم اصلاح (تקון، Tikkun) است؛ در آن، آنها به صورتِ پیکربندی‌ها (פרצופים، partzufim) درآمدند، یعنی به حالتی رسیدند که هر یک دربرگیرندهٔ دیگران باشد،

שלא יהיה חכמה בפ"ע [בפני עצמו] **כ"א תהיה כלולה ג"כ מכל הע"ס** [העשר ספירות] **ונק' פרצוף אבא וכן פרצוף ז"א שעיקרו בחי' המדות**

تا حکمت (חכמה, Chochmah) به تنهایی نباشد، بلکه هر ده مرتبه تجلی (سپירות, Sefiros) نیز در آن گنجانده شود؛ و آن «پیکربندی پدر» (פרצוף, partzuf: **אבא**, Abba) نامیده می‌شود. همچنین پیکربندی صفات عاطفی (ז"א / **זעיר אנפין**, Z'eir Anpin)، که جوهرش مرتبه صفات عاطفی (مדות, middos) است،

آخ کولن היו כלולים יחד וגם המוחין [המוחין] **דא"א** [דאבא ואימא] **מאירים בהם. וה"ז** [והרי זה] **מעלה יתירה מבבחי' נקודים שהי'** [שהיה] **רק כל בחי' בפ"ע** [בפני עצמו] **חסד לבדו וגבורה לבדو.**

اما همه آنها با هم دربرگرفته شده بودند و قوای عقلانی (מוחין, mochin) پدر و مادر (**אבא ואמא**, Abba v'Imma) نیز در آنها می‌تابیدند. این مزیتی چشمگیر نسبت به مرتبه نکودیم است؛ جایی که هر مرتبه تنها به‌خودی خود بود: مهر (חסد, Chesed) تنها و قید و سخت‌گیری (גבורה, Gevurah) تنها.

أبل בתקון יש בחי' התכללות והתחברות (כמו עד"מ חבור האותיות שנפרדו להיות מצטרפין יחד לתיבות ומ"מ אין זה כמו בחי' עקודים שהיו כולן דבר א' ממש עד שהיו רק בכלי א'

اما در تیکون، دربرگرفتن و پیوند وجود دارد؛ (برای نمونه، پیوند حروفی که از هم جدا بودند، تا با هم ترکیب شوند و واژه‌ها را بسازند. با این حال، این مانند مرتبه عکودیم (عکودים, Akudim؛ «بسته‌شده‌ها») نیست؛ جایی که همه به‌راستی یک چیز بودند، تا آنجا که تنها در یک ظرف قرار داشتند؛

משא"כ بברודים שכל ספירה יש לה כלי בפ"ע [بفني עצمون] **רק שמתכללים מכל הע"ס** [העשר ספירות] **וכו' ומ"מ ע"י התכללות זו מאיר בהן הארה עליונה מא"ס ב"ה כי אור א"ס ב"ה מאיר ونמשך דוקא במקום שיש חבור והתכללות.**

حال آنکه در برودیم، هر مرتبه تجلی ظرف خود را دارد، اما همه ده مرتبه تجلی و غیره در آن دربرگرفته شده‌اند. با این همه، به واسطه این دربرگرفتن، پرتویی برتر از بی‌نهایت مطلق (אין סוף, Ein Sof)، متبارک باد، در آنها می‌تابد؛ زیرا نور بی‌پایان (אור אין סוף, Or Ein Sof)، متبارک باد، دقیقاً در جایی می‌تابد و فرود می‌آید که پیوند و دربرگرفتن وجود داشته باشد.

وַכְמוּ לַמִּטָּה זָכַר וְנִקְבָּה בְּרֵאשׁ וְעִי"ז וַיִּבְרַךְ אוֹתָם עִי"י הַהִתְכַלְלֹת כּו' וַכְמוּ בְּצִירֹף עֶשְׂרֵה אוֹמְרִים דָּבָר שֶׁבְּקְדוּשָׁה דָּאֵכֵל בִּי עֶשְׂרֵה שְׁכִינָתָא שְׂרִיא מִשְׁא"כ אִם הָיוּ אֱלֹהֵי הָעֶשְׂרֵה כ"א [כָּל אֶחָד / כָּל אַחַת] בִּפְ"ע [בְּפִנִּי עֲצָמוֹ] כּו'.

همچنین در پایین، «مرد و زن آفریدشان»، و از این راه «آنان را برکت داد» - به واسطهٔ دربرگرفتن، و جز اینها. و نیز هنگامی که ده نفر به هم می‌پیوندند، سخنی از امور مقدس می‌گویند، زیرا «در هر جمع ده نفره، حضور الهی (שכינה, Shechinah) قرار دارد؛ اما اگر این ده نفر هر یک به تنهایی بودند، چنین نبود، و جز اینها.

וְזֶהוּ עִי"י שֵׁם מ"ה [שֵׁם מ"ה] הַמַּאִיר בְּעוֹלָם הַתְּקוּן שִׁשְׁרֵשׁוּ לַמַּעֲלָה מִבְּחִי' נִקּוּדִים כִּי הוּא שֵׁם מ"ה [שֵׁם מ"ה] דָּא"ק [דָּאֵם קְדָמוֹן] שֶׁהוּא בְּחִי' הָאוֹר הַכִּלְי עִי"ד הַנִּלְבָּעִים ע"כ מִמֶּנּוּ נִמְשָׁךְ הַתְּקוּן שִׁיְהִיָּה נַעֲשֶׂה הַהִתְכַלְלֹת בְּבְרוּדִים

و این به واسطهٔ نام م"ה (שם מ"ה, Mah) است که در عالم تیکون می‌تابد و ریشه‌اش بالاتر از مرتبهٔ نکودیم است؛ زیرا آن نام م"ה آدَم کادمون (آدم کدمون, Adam Kadmon) است، مرتبهٔ نور کلی و فراگیر، همانند آنچه پیش‌تر دربارهٔ عکودیم گفته شد. از این رو، تیکون از آن فرومی‌آید تا در برودیم دربرگرفتن پدید آید.

וְהֵינּוּ כִּי שֵׁם מ"ה [שֵׁם מ"ה] הוּא בְּחִי' בְּטוֹל מַלְשׁוֹן וְנַחֲנוּ מֶה וְהַהִתְכַלְלֹת נִמְשָׁךְ מִחֻמַּת הַבְּטוֹל לְאוֹר א"ס ב"ה. וְלִכֵּן עִי"י שֵׁם מ"ה [שֵׁם מ"ה] נַעֲשֶׂה ג"כ הַהִתְכַלְלֹת בְּע"ס [בְּעֶשֶׂר סְפִירוֹת] דְּתִיקוֹן כּו':

یعنی نام م"ה مرتبهٔ خودنفی‌گری (ביטול, bittul) است؛ برگرفته از تعبیر «و ما چه هستیم؟»؛ و دربرگرفتن به سبب خودنفی‌گری در برابر نور بی‌پایان، متبارک باد، پدید می‌آید. از این رو، به واسطهٔ نام م"ה، دربرگرفتن در ده مرتبهٔ تجلی تیکون نیز پدید می‌آید، و غیره.

12 וּמַעֲתָה יוֹבֵן מֶה דְּבַתְּפֹאֶרֶת בְּהַכְלִי ג"כ הוּא מִבְּחִי' שֵׁם הוֹי"ה מִשְׁא"כ בְּכָלִים דְּחו"ג [דְּחֶסֶד וְגְבוּרָה] כִּי הִנֵּה עֵיקָר הַהִתְכַלְלֹת הַנַּעֲשֶׂה בְּעוֹלָם הַתְּקוּן הוּא

از اینجا روشن می‌شود که چرا حتی ظرف زیبایی و هماهنگی (תפארת, Tiferes) نیز از مرتبهٔ نام چهارحرفی (ה', Havayah) است، برخلاف ظرف‌های مهر (חסד, Chesed) و قید و سخت‌گیری (גבורה, Gevurah). زیرا اصل درهم‌آمیختگی‌ای که در عالم اصلاح (תקון, Tikun) پدید می‌آید،

ע"י קו האמצעי שהוא בחי' תפארת מדתו של יעקב שלימו דאבהן ישב אוהלים שמחבר בחי' חו"ג [חסד

וגבורה]

از راه خط میانی، که مرتبة تپاרת و صفت یعقوب (יעקب) است - «کمال بخش پدران» و «ساکن چادرها» - و חסד و גבורה را به هم می پیوند.

ולכן יעקב המשיך בחי' עקודים נקודים וברודים שהמשיך מבחי' עקודים גם בברודים ע"י שם מ"ה [שם
מ"ה] להיות התכללות כו'

ازاین رو یعقوب مرتبة عکودیم (عکودים, Akudim)، نکودیم (נקודים, Nekudim) و بُرودیم (برودים, Berudim) [یعنی «راهراه، خال خال و لکه دار»] را امتداد داد؛ او از مرتبة عکودیم حتی به برودیم نیز امتداد بخشید، به واسطه نام م"ה (Mah)، تا درهم آمیختگی پدید آید و مانند آن.

ولכן תפארת נק' אות אמת (ע"י [ע"י] בזוהר ר"פ ויקרא) מפני שמחבר ועושה התכללות שלא יהיו המדות
חו"ג [חסד וגבורה] נגדיים זה לזה.

ازاین رو **تپاרת** «نشانه ای از حقیقت» نامیده می شود (بنگرید به زوهار، آغاز پاراشای وایکرا (ویקרא))، زیرا پیوند می دهد و درهم آمیختگی را پدید می آورد، تا صفات حסد و גבורה در برابر یکدیگر نباشند.

והנה הגדול הגבור הוא בחי' חו"ג [חסד וגבורה] והנורא הוא בחי' תפארת ויש בו תוספת וי"ו והנורא
اکنون، «بزرگ، نیرومند» مرتبة حסد و גבורה است، و «هول انگیز» مرتبة تپاרת؛ و در آن واوی افزوده هست: «و هول انگیز» (והנורא, ve-hanora).

שנמשך המשכה עליונה שע"י נעשה ההתכללות וכענין הנ"ל דהתקון וההתכללות הוא ע"י המשכת
שם מ"ה [שם מ"ה] וכן ביעקב נאמר מה נורא המקום הזה.

[یعنی] جریانی برین فرود آورده می شود که به واسطه آن درهم آمیختگی پدید می آید؛ چنان که در موضوعی که پیش تر یاد شد، اصلاح و درهم آمیختگی از راه امتداد نام م"ה حاصل می شود. همچنین درباره یعقوب گفته شده است: «چه (מה, mah) هول انگیز است این مکان!»

וזהו דבכלי הת"ת [התפארת] הוא מאיר שם הוי"ה שהוא הארה גדולה ונעלית יותר מבכלים דחו"ג [דחסד
וגבורה] והיינו

و ازاین رو در ظرف تپاרת نام ه' می تابد؛ این نورافشانی از آنچه در ظرف های حסد و גבורה است، بزرگتر و برتر است. یعنی،

כי ע"י שם הוי"ה נמשך בחי' ההתכללות וז"ש [וזהו שכתוב] הוי"ה אחד (ועמ"ש ע"פ לתת נקמת הוי"ה במדין).

از راه نام ه' مرتبه درهم آمیختگی امتداد می یابد؛ و این [معناي] آن چیزی است که گفته شده: «ه' یکی است» (و نیز بنگرید به آنچه درباره [آیه] «تا انتقام ه' را از میان (مדין) بگیرند» نوشته شده است).

وهנה התורה נק' תורת הוי"ה כי בתורה כתיב וכל נתיבותיה שלום וכמ"ש או יחזיק במעוזי יעשה שלום לי וגו'

اکنون تورات، «توراتِ نام چهارحرفی (ה', Havayah)» خوانده می شود؛ زیرا درباره تورات نوشته شده است: «و همه راه هایش صلح است»؛ و چنان که نوشته شده است: «یا بگذار به نیروی من چنگ زند، تا با من صلح کند»، و الی آخر —

שלום בפמליא של מעלה ובפמליא של מטה שיהי' [שיהיה] בחי' ההתכללות ויחוד הספירות וההיכלות ועי"ז יומשך גילוי אור א"ס ב"ה. והתכללות זו הוא ע"י הבטול.

صلح در دربار آسمانی و دربار زمینی: یعنی مرتبه ای از درهم گنجیدگی و یگانگی مراتب تجلی (سفירות, Sefiros) و تالارها (היכלות, heichalos) برقرار شود؛ و از این راه، آشکارگی نور بی پایان (אור אין סוף, Or Ein Sof)، که متبارک است، به پایین کشیده شود. و این درهم گنجیدگی از راه خودنهی گری (ביטול, bittul) پدید می آید.

וזהו יסוד כל התורה להיות בטול היש לאין וכל השלשה דברים שעליהם העולם עומד היינו תורה ועבודה וגמ"ח [וגמילות חסדים] כולם ענינם בטול היש לאין וע"י הבטול נעשה ההתכללות משא"כ בבחי' יש כו'.

و این، بنیاد تمام تورات است: خودنهی گری «چیز مستقل» به «هیچ» (אין, ayin). و هر سه امری که جهان بر آنها استوار است — یعنی تورات، عبادت و اعمال نیکوکاری — در بنیاد خود همگی خودنهی گری «چیز مستقل» در برابر «هیچ» هستند. و از راه خودنهی گری، درهم گنجیدگی پدید می آید؛ اما در مرتبه «چیز مستقل» چنین نیست، و الی آخر.

13 והנה דור הפלגה אמרו ונעשה לנו שם פן נפוץ כו' פי' שרצו ג"כ שיקבלו השפע מבחי' שם הוי"ה שהוא המשכה עליונה.

اکنون نسل پراکندگی گفتند: «بیاپید برای خود نامی بسازیم، مبدا پراکنده شویم»، و غیره. مقصود این است که آنان نیز می خواستند فیض را از مرتبه نام چهارحرفی (ה', Havayah) دریافت کنند؛ مرتبه ای که جریانی از بالا به پایین است.

**וזוהו ונעשה לנו שם פן נפוץ פי' שלא רצו שיומשך להם ההשפעה מבחי' שלמטה במדרגה שמשם
ניקת החיצונים שיניקתם מאחוריים דשם אלקים ונק' לכך אלקים אחרים כו'**

و این همان [معنای] «بیایید برای خود نامی بسازیم، مبادا پراکنده شویم» است: یعنی آنان نمی‌خواستند فیض از مرتبه‌ای فروتر به آنان برسد؛ مرتبه‌ای که نیروهای بیرونی از آن روزی می‌گیرند، زیرا روزی آن نیروها از وجه پشتی نام **אלקים** (אלקים), Elokim) است و از همین رو «معبودان دیگر» (**אלקים** **אחרים**, elokim acherim) نامیده می‌شوند، و غیره.

**כי זהו כל עיקר מעלת עולם התקון שהוא בחי' ההתכללות ולכן נאמר גבי יעקב שבעים נפש לשון יחיד
משא"כ בעולם התהו מחמת שלא היה התכללות נמשך שבה"כ [שבירת הכלים].**

زیرا تمام جوهر برتری عالم اصلاح و سامان (**עולם התקון**, Tikkun) همین مرتبه درهم‌پیوستگی است. از این رو دربارهٔ یعقوب (**יעקب**) گفته شده است: «هفتاد جان» (**נפש**, nefesh)، به صیغهٔ مفرد؛ اما در عالم آشوب (**عולם התהو**, Tohu) چنین نبود و چون درهم‌پیوستگی وجود نداشت، در پی آن شکستن ظرف‌ها رخ داد.

14 ואמנם הם ידעו אשר לקבל מעולם התקון הוא ע"י בטול היש כנ"ל בענין התקון ע"י שם מ"ה [שם מ"ה]

והם לא רצו בזה

با این حال، آنان می‌دانستند که دریافت از عالم تیکون (**תיקון**, Tikkun [اصلاح]) از راه خودنفی‌گری (**ביטול**, bittul) نسبت به «یش» (**יש**, yesh [وجود مستقل]) است؛ چنان‌که [توضیح داده شد] در بالا دربارهٔ تیکون از طریق نام **מ"ה** (Mah). اما آنان این را نخواستند.

**וכמ"ש בלק"ת [בלקוטי תורה (להאריז"ל)] להרח"ו [להרבי חיים ויטאל] ז"ל [זכرونנו לברכה / זכرونם לברכה] שרצו לילך
בשרירות לבם ושאעפ"כ [ושאף על פי כן] יומשך להם השפעת טובה כו' ע"כ נתחכמו לעשות המגדל
והעיר.**

و چنان‌که در لیکوتی تורה (לקוטי תורה) [ربی حییم ویتال (רבי חיים ויטאל)، ז"ל، نوشته شده است: آنان می‌خواستند بر وفق سرکشی دل خویش رفتار کنند و با این همه، فیض خیر به سویشان جاری شود و مانند آن. از این رو، زیرکانه ساختن برج و شهر را تدبیر کردند.

15 והוא שנתייעצו שע"י האחדות שיהיה ביניהם להיות חבור עצבים ע"כ עי"ז ימשיכו להם טובה

והשפעה גשמית עכ"פ [על כל פנים] אף אם לא יהיה להם הבטול ועבודת השי"ת [השם יתברך].

یعنی چنین مشورت کردند که از راه وحدتی که میانشان برقرار می‌شد - اینکه «به هم پیوسته [هرچند] به بت‌ها» باشند - از این راه دست‌کم خیر و فیضی مادی برای خود جلب کنند، حتی اگر خودنهی‌گری (bittul, بیטول) و بندگی ه' יתברך را نداشته باشند.

והיינו כי ידעו בכח שמוש השמות עליונים שבבחי' התכללות מאיר אור עליון ביותר וכמש"ל [וכמה שכתוב לעיל] בענין עקודים בכלי א' שהוא בחי' ומדרגה גבוה מאד שהוא למעלה מעולם התהו ומעולם התקון.

یعنی آنان به واسطه قدرت به‌کارگیری نام‌های برتر می‌دانستند که در حالت شمول متقابل، نوری بسیار برتر می‌تابد؛ چنان‌که پیش‌تر درباره عکودیم (עקודים, Akudim؛ بسته‌شدگان) در یک ظرف توضیح داده شد؛ مرتبه و درجه‌ای بسیار بلند، بالاتر از عالم התהو (Tohu؛ آشفتگی) و عالم התקון (Tikkun؛ سامان‌یافتگی).

16 וע"כ אמרו ונעשה לנו שם שימשיכו ג"כ משם הוי"ה דהיינו ממקום הכולל לכל ההשתלשלות בשוה

שהוא אור כללי כנ"ל

ازاین‌رو گفتند: «و نامی برای خود بسازیم»؛ یعنی از نام چهارحرفی (ה', Havayah) نیز جذب کنند؛ یعنی از جایگاهی که سراسر زنجیره نزولِ عوالم (השתלשלות, hishtalshelus) را به‌طور یکسان دربرمی‌گیرد، جایگاهی که نوری کلی است، چنان‌که [در بالا] گفته شد،

ולא יצטרכו להיות נכנעים תח"י [תחת יד] הקדושה דעולם התקון דאצי' שממש א"א להם לקבל רק מבחי' חיצוניות כו'.

و دیگر نیازی نبود که زیر سلطه قداستِ عالمِ اصلاح (התקון, Tikkun) در عالمِ صدور (אצילות, Atzilus) درآیند؛ از آنجا نمی‌توانستند چیزی دریافت کنند، مگر از مرتبه بُعد بیرونی (חיצוניות, chitzoniyyus) و جز این‌ها.

17 והיינו ע"י האחדות והתכללות שיהיה ביניהם ולכן עשו העיר ומגדל דהיינו שהיה סימן להם שלא

יתפרדו איש מעל אחיו

یعنی، از راه وحدت و درهم‌پیوستگی‌ای که میانشان برقرار می‌شد. ازاین‌رو شهر و برج را ساختند؛ یعنی این نشانه‌ای برایشان بود که از یکدیگر جدا نشوند،

כי רועי צאן היו זה הולך אנה וזה אנה ע"כ עשו עיר ומגדל גבוה כדי שיתקבצו כולם שם ולא יפרדו איש מעל אחיו וכמ"ש הראב"ע [הרבי אברהם אבן עזרא].

זیرا آنان چوپان بودند؛ این یکی به این سو می‌رفت و آن یکی به آن سو. از این رو شهری و برجی بلند ساختند تا همگی در آنجا گرد آیند و از یکدیگر جدا نشوند، چنان‌که ربی ابراهام ابن‌عزرا (ابراهام ابن عזرا) می‌نویسد.

וגם ע"פ רוחניות ג"כ ענין העיר והמגדל היה לתועלת החבור והיחוד (ע' [עיין] בזוהר פ' נח דף ע"ד ע"ה).

و از دیدگاه معنوی [نیز]، شهر و برج برای پیوند و یگانگی سودمند بودند (بنگرید به زوهار (זهر)، پاراشات نوح (נח)، صفحات ۷۴ و ۷۵).

وזהו מה שאמר הקב"ה הן עם אחד ושפה אחת לכולם כו' ועתה לא יבצר מהם כל אשר יזמו לעשות. و این همان چیزی است که **ה'** گفت: «بنگر، [آنان] قومی یگانه‌اند و زبانی یگانه برای همگی دارند»، و غیره، «اکنون هیچ‌یک از آنچه در اندیشه انجامش بوده‌اند از ایشان بازداشته نخواهد شد».

פי' כי לפי שבאמת ע"י ההתכללות והחבור נמשך ממקום עליון ביותר וכמ"ש חבור עצבים וגו' مقصود این است که در حقیقت، از راه درهم‌پیوستگی و پیوند، [جریانی] از جایگاهی بس برین فرومی‌آید؛ چنان‌که نوشته شده است: «به بت‌ها پیوسته [است]»، و غیره،

וא"כ לא יבצר מהם כו' וא"כ הרי ח"ו [חס ושלום] ימשיכו המים היוצאים מבית ה' לבית הכסא כו' پس «هیچ‌چیز از ایشان بازداشته نخواهد شد»، و غیره. بنابراین، مبدا آب‌هایی را که از خانه **ה'** به مستراح روان می‌شوند، فرومی‌آوردند، و غیره،

אשת הזמה כו' כיון שהם היו הולכים בשרירות לבם כו' ולא רצו לקבל הבטול והעול زنِ هرزه، و غیره – زیرا آنان در سرکشی دل خود گام برمی‌داشتند، و غیره، و نمی‌خواستند خودنهی‌گری (ביטול، bittul) و پذیرش یوغ (קבלת עול، kabbalas ol) را بپذیرند.

(וזהו כעין מ"ש פן ישלח ידו ולקח גם מעץ החיים ואכל וחי לעולם ואין זה ראוי כיון שכבר נפגם ע"י עץ הדעת א"כ ימשיך תוקף זה דעץ החיים בסטרא אחרת ויגביר הרע וכמ"ש במ"א וכך הוא כאן).

(و این شبیه آن چیزی است که نوشته شده است: «مبادا دستش را دراز کند و از درخت حیات نیز بگیرد و بخورد و تا ابد زنده بماند»؛ و این شایسته نبود، زیرا او پیش‌تر به واسطه درخت دانش آسیب دیده بود. پس نیروی درخت حیات را به درون سوي دیگر (סטرا احرأ، sitra achra) می‌کشاند و شر را نیرومند می‌کند، چنان‌که در جای دیگری نوشته شده است؛ و اینجا نیز همین‌گونه است.)

ועל כן הבה ונבלה שפתם כו' פיזור לרשעים הנאה להם והנאה לעולם. וכנוס לצדיקים שיש בהם הבטול להש"י [להשם יתברך] הנאה להם והנאה לעולם כי ע"י ההתכללות נמשך ממקום עליון כנ"ל ולכן השלום הוא הכלי המחזיק ברכה:

ازاین‌رو: «بیایید زبان‌شان را درهم‌آمیزیم» و غیره. «پراکندگی برای ستمکاران، هم برای خودشان خوشایند است و هم برای جهان»؛ و گردهم‌آمدن برای صالحانی که در برابر ه' **יתברך** خودنهی‌گری (ביטול، bittul) دارند، هم برای خودشان خوشایند است و هم برای جهان؛ زیرا به واسطه درهم‌پیوستگی، [جریانی] از مکانی والا فرود می‌آید، چنان‌که [در بالا توضیح داده شد]. ازاین‌رو، صلح ظرفی است که برکت را در خود نگاه می‌دارد.



دربارهٔ این نسخه

.the English translation و This edition contains the Hebrew text

The Hebrew text of Torah Ohr: © Kehot Publication Society, via Sefaria, CC BY-NC 4.0; formatting adapted.

.Our English translation, made from the Hebrew without Kehot's notes: CC BY-NC 4.0

This edition as a whole: CC BY-NC 4.0. Shuls, schools and non-profit projects may copy, print and share it freely, and may ask for donations to cover the cost of printing; it may never be sold. Credit Kehot Publication Society and likuteitorah.com. <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

ترجمه و شرح انگلیسی: با کمک هوش مصنوعی (openai/gpt-6-luna-pro) برای likuteitorah.com تهیه شده و با متن عبری و سفاریا مقابله شده است؛ هنوز ویراستار انسانی آن را بازبینی نکرده است. لطفاً هر مطلب مهمی را با متن عبری مقابله کنید.

ربه خواست که ماماریم پارشای آن هفته، «پارشای حسیدی»، در همان هفته و در طول هفت روز آن آموخته شوند (Sichah of Shabbos Parshas Vayakhel 5725 · Toras Menachem vol. 42, pp. 306–309 /parsha). چرا آن را بیاموزیم و برکات ربه: likuteitorah.com/about/the-chassidishe-parsha

پروژه‌ای رایگان و غیرتجاری؛ هیچ‌چیز در اینجا فروخته نمی‌شود. وابسته به Kehot, Sefaria یا کتابخانهٔ لوباوویچ نیست. © likuteitorah.com

از likuteitorah.com/fa/torah-ohr/noach/4/

تقدیم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربه، رب لیوی بیتسخاک